

گزارشی از چهار مزار در بوستان محبوب مشهدی‌ها که چندان شناخته‌شده نیستند

عارفان آرمیده در کوهسنگی

لیلا کوچک‌زاده

بوستان کوهسنگی مشهدکه‌از صدسال گذشته در جنوب مشهد، محلی برای تفرج و تفریح مردم بوده است، تاریخ ریز و درشتی را در دل خود حفظ کرده است. می‌توان گفت هر بخشی از این بوستان که در گذشته خارج از شهر مشهد محسوب می‌شده است، حرفی برای گفتن دارد، از مجسمه‌هایی که۸۵سال پیش دور استخر آن جانمایی شدند و از آن‌ها فقط شیرهای سنگی باقی مانده‌است تا دو آرامستانی که در دامنه‌دو کوه آن واقع شده‌اند. در این گزارش اما به آرامستان کمتر شناخته‌شده‌ای در دامنه شرقی بوستان کوهسنگی سر زدید که زمانی محل عبادت چندتن از عارفان و علمای مشهدی بوده است و به درخواست خودشان آنجا دفن شده‌اند. این آرامستان کوچک که با نام مقبره عرفا شناخته می‌شود، در مجاورت آرامگاه میرزاابراهیم رضوی واقع شده است. در این گزارش از همراهی مهدی قربانی، پژوهشگر مشهدی که مشغول تألیف کتابی درباره عارفان خراسان با عنوان «تذکره‌العارفین» است و در این کتاب به معرفی عارفان بوستان کوهسنگی پرداخته، بهره بردیم.

● ۸ قبر در دامنه شرقی کوهسنگی
برای رسیدن به آرامستان عرفا باید تا بوستان کوهسنگی رفت و از آنجا خود را به انتهای خیابان رودکی رساند. باینکه مردم به‌خوبی آرامگاه میرزاابراهیم رضوی، واقف بزرگ عصر صفوی را که در انتهای بولوار شهید بهشتی واقع شده، می‌شناسند، آرامستان عرفا در انتهای خیابان رودکی، چندان شناخته‌شده نیست. البته آن‌طور که مشخص است، آرامگاه رضوی چند سده پیش از آرامستان عرفا وجود داشته است. اما در انتهای خیابان رودکی و با ورود به بوستان کوهسنگی، باید مسافتی را از روی یک پل سنگی بزرگ طی کرد تا به سکوی نوسازی رسید که هشت‌سنگ‌مزار قدیمی، زیر سایه درختان بید گسترده شده است، درست در دامنه

شرقی بوستان کوهسنگی. در فصل اول کتاب «گورستان‌های شهر مشهد و نامداران مدفون در آن‌ها» نام این آرامستان با عنوان «مقبره چند تن از علمای دینی مشهد در جوار کوهسنگی» آمده است، آرامستانی غیرفعال که آخرین فرد، به سال ۱۳۵۰ خورشیدی در آن آرمیده‌است. اما روی المان (نماد) معرفی این مکان، «مزار عرفا، قید و نوشته شده اینجا محل دفن چندتن از بزرگان عرفان و فلسفه مشهد در قرن چهاردهم است و در ادامه چهارتن از این نامداران را معرفی کرده است. در معرفی نامه نوشته شده که دامنه این کوه، محل عبادت برخی از این عارفان بوده است و حتی وصیت کرده‌اند که همین‌جا دفن شوند. آن‌طور که مهدی قربانی می‌گوید، از هشت‌سنگ قبر، چهار

سنگ، متعلق به چهار عارف و شخصیت علمی وقفهی مشهد قرن چهاردهم است و چهار سنگ قبر دیگر، متعلق به افراد اسم و رسم‌داری نیست. اما دور یکی از سنگ قبرها نرده کشیده شده است، سنگ قبری متعلق به شیخ اسدا... بن محمد حسن یزدی مشهور به «هراتی»، شاگرد مرحوم خودکی، که شیخ، او را از اولیای اهل حق و اکابر اهل کشف و یقین می‌دانست و نخستین عارف خفته در این دامن به سال ۱۳۰۵ خورشیدی است.

● «عارف خراسان در تذکره‌العارفین قربانی که پژوهشگر و احیاگر اسناد و نسخ خطی است و در بیش از ۳۰ سال پژوهش شخصی تاکنون ۳۱ عنوان کتاب منتشر کرده است، درباره دلیل نوشتن کتاب «تذکره‌العارفین» می‌گوید: از حدود

هشت‌سال پیش شروع کردم به جمع‌آوری اطلاعات درباره عرفای خراسان تا به شیخ سیفا... ایسی رسیدم. وقتی سنگ مزار ایشان را در کوهسنگی یافتم، متوجه شدم اسانیدشان، محمد تقی میرزا عسکری حسینی رضوی و شیخ اسدا... بن محمد حسن یزدی که شخصیت‌های برجسته ای زبردستشان به اجتهاد رسیده‌اند، در کنار شیخ ایسی آرمیده‌اند. این بود که تحقیقاتم را گسترده‌تر کردم و در نهایت به صدتن از عرفای معاصر خراسان رسیدم که در کتابم معرفی شده‌اند.

او امیدوار است تا پایان امسال، تذکره‌العارفین چاپ و منتشر شود. ● مقبره عرفا می‌تواند موزه سنگ شود به آن‌ برای بهره‌برداری علمی بسیار زیاد خواهد بود.

سیفا... ایسی

در جوار استادانش



سیفا... ایسی میانجی، فیلسوف و حکیمی که ۳۰ تیر ۱۳۴۱ خورشیدی فوت کرد، درخواست کرده بود در

دیگر خفنگان آرامستان

دیگر خفنگان آرمیده در این آرامستان که درباره آن‌ها اطلاعاتی در دست نیست، عبارت‌اند از: مرحومان شیخ مهدی عطار مهاجر هروی، متوفی ۱۳۱۵ خورشیدی، محسن مستخدم زواری، فرزند کرلایی حسین عطار، وفات یافته ۱۳۴۲ خورشیدی، حسین منتظمی فرزند حاج ملاباشی، فوت شده ۱۳۵۰ خورشیدی و و مرحوم حاج میرزا محمدرضا، وفات یافته ۱۳۲۷ خورشیدی که این دوبیت شعر از مثنوی مولانا بر مزارش نقش بسته



است:

چون ز جان مردم به جانان زنده‌ام نیست مرگم، تا اید پابنده‌ام چون بمردم از حواسات بشر حق مرا شد سمع و ادراک و بصر.

آقا بزرگ حکیم



محمد تقی میرزا عسکری حسینی رضوی معروف به «آقا بزرگ حکیم» برترین چهره معاصر خاندان معروف شهیدی در مشهد است، از شاگردان ملاهادی سبزواری و شیخ مرتضی انصاری که پس از قیام‌گوهرشاد و دستگیری و حبس برخی مدرسان حوزه، خانه‌نشین شد. اما مرگ مشکوک فرزند دانشور، میرزاهدی در سنین جوانی، چنان بر روح و روان و ذهن آقا بزرگ تأثیر منفی نهاد که در سال ۱۳۱۵ خورشیدی، یک سال بعد از پسرش، راهی سرای باقی شد. فرزندش میرزاهدی نیز در فلسفه، فقه و عرفان از بزرگ‌ترین استادان حوزه مشهد بود. آقا بزرگ را پس از فوت براساس وصیتش در این آرامستان دفن کردند. او در مشهد، تهران و نجف به تحصیل فقه، اصول، فلسفه و حکمت پرداخته است و علمای برجسته بسیاری چون حکیم میرزاهدی الهی قمشه‌ای، شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری معروف به ادیب دوم، شیخ سیفا... ایسی میانجی، میرزا حسن بجنوردی، از شاگردان او بوده‌اند. آقا بزرگ شهیدی پس از کسب علوم مختلف به درجه استادی رسید و مدرس نامدار اسفار و شرح منظومه شد. اما فرزند دیگر آقا بزرگ، مرحوم حاج سیدمرتضی آقا بزرگ شهیدی، وفات یافته ۱۳۴۱ خورشیدی در کنار قبر پدر خود مدفون است.

درنگی درباره تاریخچه حصارهای مشهد از نگاه ۲ پژوهشگر

وقتی مشهد ۱۴۱ برج داشت

است که نه تنها در بنای شهر مشهد، بلکه در تجدید بنای آستان قدس و توسعه ساختمان‌های آن بی حد کوشیده[...]. می‌گویند ابوالقاسم فردوسی و پدرش هر دو باغبان وی بوده‌اند و لقب فردوسی از همین جاست، او در ادامه از امیرعلاالدین ملقب به عزالدین نام می‌برد که در سال ۵۱۱قمری، حصار دیگری دور مشهد کشیده و این می‌رساند که در این مدت شهر توسعه بیشتری یافته است.

اما حصار بعدی مشهد، حدود ۳۰۰سال بعد در سال ۸۰۸قمری توسط شاهرخ میرزای تیموری به دور شهر کشیده می‌شود. او به آبادانی خراسان زمین همت گماشته بود و همسرش گوهرشاد بیگم، مسجدگوهرشاد مشهد و مسجد جامع هرات را بنا کرد. این حصار از پایین خیابان در حدودکوچه ساربان‌ها و از بالاخیابان در حدودباغ تولیت می‌گذشته است. شریعتی از حافظ‌ابرو نقل کرده که در این وقت، مشهد دارای محلات کاریز، شاه‌آباد، دستجرد، چاه نو، منصوریه، ابوبکر آباد بوده است. اما آخرین حصاری که شریعتی به آن اشاره کرده است، نزدیک به ۵۰۰سال پیش در ۹۵۰قمری و به‌دست شاه طهماسب صفوی ساخته می‌شود، حصاری که هزارو ۸۰۰متر پیرامون آن بوده و ۱۴۱ برج و شش دروازه داشته است.

کوچک‌زاده مشهد ۲۵۱کیلومتر مربعی امروز که به‌عنوان دومین شهر پهناور ایران پس از تهران مطرح است، دور زمانی به اندازه یک‌هزار سال پیش، شهر بسیار کوچکی بوده که با وجود حصار دورش، می‌شد پی برد داخل این حصار شهری وجود دارد و از طرفی حصار دور شهر، آن را از نفوذ دشمنان محفوظ نگه می‌داشته است. دکتر علی شریعتی در کتاب «راهنمای خراسان»، که در سال ۱۳۴۵ خورشیدی منتشر شده به رویدادهای تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خراسان بزرگ پرداخته است. او در فصل دوم این کتاب در مطلبی به نام «حصار بندی شهر مشهد» نوشته است: «تاریخ حصار بندی شهر مشهد انعکاسی از رژیم‌ها و تحولات سیاسی و فکری این مملکت است و گذشته از آن می‌رساند از چه زمانی مشهد را به صورت شهری هر چند کوچکی می‌توان تلقی کرد.» او سپس به قدیمی‌ترین حصار ی که در پیرامون مشهد بنا می‌شود، اشاره می‌کند و می‌نویسد: «حصار سوری بن معتز به دستور سلطان محمود غزنوی به جبران ویرانی‌هایی که پدر متعصیش در آستان قدس به بار آورد در سال ۴۲۸قمری ساخته شد.» شریعتی درباره این شخصیت هم این چنین توضیح داده است: «نام این سوری بن معتز را که در آن هنگام حاکم نیشاپور بود، نباید فراموش کرد زیرا اولین کسی

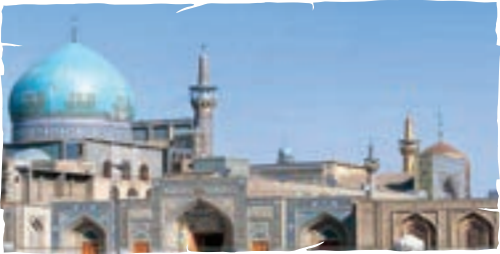
دورنما



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت هفتم)

نقش فراموش‌شده بانوان در تاریخ مشهد

مرضیه ترابی



مشهور است که تاریخ را مردان نوشته‌اند و اصالتا تاریخی که می‌خوانیم، مردانه است. قبول دارم که متون تاریخی، انعکاس کامل اقداماتی است که مردان سازمان داده‌اند. اما از همین تاریخ مردانه هم می‌توان گزارش‌هایی را به دست آورد که نشان می‌دهد بانوان، نه فقط در خلق رویدادهایی تأثیر نبوده‌اند، بلکه نقش آن‌ها در برخی اتفاقات و حوادث، محوری و اساسی بوده است. در تاریخ مشهد هم، با وجود همه محدودیت منابعی که به‌ویژه از اوایل دوره تیموری به قبل داریم، می‌توان این نشانه‌ها را دید و حتی به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخت. گزارش فعالیت بانوان مشهدی، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب مشروطه و گسترش رسانه‌های مکتوب، بازتاب بیشتری در تاریخ پیدا کرده است؛ برای نمونه، ثبت و ضبط خبر مربوط به نقش بانوان در بستن شیره کش خانه‌های مشهد در سال ۱۲۸۶ خورشیدی و در جریده «خورشید» به مدیریتمسئولی میرزا محمدصادق تبریزی ملقب به معتمد السلطان، ماجرا از این قرار بود که بعد از تشکیل انجمن ایالتی خراسان، مشهور به «انجمن معدلت رضوی» در اسفند سال ۱۲۸۵ خورشیدی، با ترکیب محمدعلی میرزا برهان الملک، محمد کاظم تهرانیان، عبدالرحیم مجتهد عیدگاهی، شیخ ذبیح‌آ... مجتهد قوچانی، ارفع السلطان، شیخ حسن کاشی، فاضل بسطامی، محمدعلی ترشیزی و غلامعلی یزدی، جلسات این انجمن در «بیرونی» منزل آیتا... میرزا حبیب خراسانی در محله چهارباغ برگزار می‌شد و مردم می‌توانستند ناظر مذاکرات این انجمن باشند. یکی از مطالبات مهم مردم مشهد که به‌ویژه از سوی بانوان دنبال می‌شد، تعطیل کردن شیره کش خانه‌های مشهد بود، مراکزی که اقرون بر دامن زدن به شیوع استعمال تریاک، مفاسد پر شمار و غیر اخلاقی دیگری هم در پی داشت، مفاسدی که کبان و بنیان خانواده را تهدید می‌کرد. نفوذ برخی افراد ثروتمند مرتبط با این مراکز، باعث شده بود که انجمن نتواند تصمیم قطعی در این زمینه بگیرد، اما طبق گزارش جریده «خورشید»، در اردیبهشت ۱۲۸۶ خورشیدی، بانوان مشهدی دست به یک تحمن گسترده در مقابل انجمن معدلت رضوی زدند و اعضای انجمن را وادار به تصویب قانونی کردند که فعالیت این مراکز را در مشهد ممنوع می‌کرد. جالب اینجاست که بانوان، بلافاصله بعد از تصویب این قانون و در حالی که صلوات می‌فرستادند، خودشان به اجرای آن و برهم زدن بساط شیره کش خانه‌ها مبادرت ورزیدند. این اقدام در نوع خودش، نخستین اقدام قانونی و گسترده علیه فعالیت مراکز فساد در مشهد بود که توسط بانوان این شهر سازمان دهی شد و به نتیجه رسید.

● نام‌های طلایی تاریخ مشهد

وقتی قرار باشد درباره حضور بانوان در رویدادهای تاریخی مشهد صحبت کنیم، حتما نام گوهرشاد خاتون در صدر قرار می‌گیرد؛ این رویکرد البته رویکرد صحیحی است. بدون هیچ اغراق و زیاده‌روی، باید گوهرشاد خاتون را بنیان گذار مشهد نوین بدانیم. او کارفرمای نخستین اثر پر پروژه عمرانی در مشهد، یعنی مسجد گوهرشاد است و نقش بسیار عمده‌ای در تشویق دیگران برای توسعه عمران شهری مشهد دارد. گوهرشاد خاتون در ترمیم و بازسازی اماکن متبرکه نیز نقشی انکارناپذیر داشته است. او را باید کارفرمایی متعهد و معتقد بدانیم، گوهرشاد خاتون علاقه خاصی به ثامن الحجج^(ع) داشت و حتی پیکر مادرش را در حرم رضوی دفن کرد. همین ارادت باعث می‌شد درباره اقدامات عمرانی اطراف حرم، حساسیت ویژه داشته باشد. او بعد از اتمام ساخت و ساز مسجد گوهرشاد، به قوام‌الدین شیرازی، معمار مسجد، دستور داد با ساختن گنبد دوم روی گنبد اول روضه منوره، برتری سازه‌ای و جلوه آن را حفظ کند. با این حال، گوهرشاد خاتون تنها بانوی اثرگذاری نیست که در تاریخ هزارو دویست‌ساله مشهد بتوان به او اشاره کرد. به جز بانوی خادم اهل نوغان که در قسمت‌های قبل به او و کارهایش در قرن چهارم اشاره و از وی به‌عنوان نخستین خادم شناخته‌شده حرم رضوی یاد کردم، می‌توان نام فاطمه بیگم را هم به میان آورد، خانمی از اهالی مشهد که در دوره مغول اسیر و به مغولستان منتقل شد و توانست نظر مادر امپراتور مغول را به خود جلب کند و در دربار او جایگاه ویژه‌ای بیابد. این کسب جایگاه در بهبود شرایط شهر مشهد، آن هم در آن عهد پرتشویش، کمک شایانی کرد و مانع از دست‌اندازی مغولان بر جان و مال و ناموس مردم مشهد شد. درباره فاطمه بیگم، به‌عنوان بانوی سیاست‌مدار شهیدی در دوره مغول، می‌توان بیش از این‌ها صحبت کرد و شاید یک بار در همین ستون «مشهدیات» به تفصیل درباره‌اش بنویشم، هرچند او فرجام خوشی نیافت و سرانجام گرفتار کینه رقبایش شد و به قتل رسید.

به غیر از فاطمه بیگم، می‌توانیم از همسر صوفیان خلیفه نیز یاد کنیم؛ بانویی که متأسفانه نامش بر ما معلوم نیست و روایت دلآوری او هم، فقط در چند خط از کتاب «عالم‌آرای عباسی» اثر اسکندر بیک منشی گزارش شده است. صوفیان خلیفه، والی خراسان در دوره شاه طهماسب یکم، برای دفع حمله ازبکان که به سوی هرات سرازیر شده بودند، به‌سوی این شهر شتافت، اما هرات به محاصره افتاد و صوفیان خلیفه نتوانست از شهر خارج شود. هم‌زمان ازبکان به‌سوی مشهد تاختند و قصد اشغال شهر و غارت آن را داشتند که با سدی محکم به فرماندهی همسر صوفیان خلیفه روبه‌رو شدند. این بانوی سلحشور، با کیاست و توانمندی، دوامه در برابر محاصره ازبکان مقاومت کرد و سرانجام آن‌ها را به عقب‌نشینی واداشت و حماسه‌ای تاریخی رقم زد. او نگذاشت مشهد به دست ازبکان بیفتد، حال آنکه چند سال قبل، فرماندهان پرادعای قزلباش نتوانسته بودند از عهده چنین کاری برایند. در دوره معاصر نیز به غیر از فعالیت‌های گروهی بانوان در قضایایی مانند تعطیلی مراکز فساد که به آن اشاره کردم، می‌توان حضور بانوان باهوش و فراستی مانند فروغ آذرخشی را هم به تاریخ ضمیمه کرد؛ بانویی که نخستین مدرسه نوین دختران را در مشهد ساخت؛ آن‌هم در سال ۱۲۹۲ خورشیدی و در بحبوحه درگیری و قحطی جانکاهی که ایران را فرا گرفته بود. هرچند مرحوم آذرخشی در این راه از حمایت همسر و برخی علمای خوش فکر حوزه علمیه مشهد برخوردار بود، اما کم نبودند افرادی که نمی‌خواستند مدرسه او دایر باشد و هرچه نتوانستند برای از میان برداشتن آن انجام دادند. با این حال، فروغ آذرخشی که کوچه «فروغ» در خیابان آخوند خراسانی فعلی و «خاکی» سابق، یادگار او و مدرسه تاریخی اوست، زیر بار این فشارها دام آورده و دختران مشهدی این فرصت را پیدا کردند که بتوانند ای علمی پیدا کنند و در خدمت مردم کشورشان باشند. در نیم‌قرن اخیر نیز، بانوان مشهدی‌ای که جان خود و فرزندانشان را برای اعتلای دین و میهن دادند، بیرون از شماره‌اند، بانوانی که باید آن‌ها را تاریخ‌سازان بزرگ شهرمان بدانیم و در برابر عظمتشان، سر تعظیم فرود آوریم.

شهریار

۳شنبه
۲۱ شهریور ۱۴۰۱
۲۳ مهر ۱۴۴۴
شماره ۲۷۵۰

۱۵

↓

تاریخ و هویت